یادداشت

مشکل دولت پزشکیان کجاست؟

ادامه از صفحه اول

چنین پرسشی مانند آن است که از یک نویسنده بپرسند این یادداشتی که نوشتی، با چه خودکاری نوشتی؟ به گمان من پرسش از یک عکاس که عکسش را با چه دوربینی گرفته، به همان اندازه بی‌ربط است که از یک نویسنده پرسیده شود که مقاله و یادداشت خوبی را که نوشته، با چه خودکار یا خودنویسی نوشته است. مثلا فکر کنیم که یک نویسنده اگر با خودنویس سناتور با پارکر یادداشت خود را بنویسد، یادداشتش بهتر و منطقی‌تر خواهد شد تا اینکه با خودکار بیک بنویسد. در هر صورت، نگاه ابزارگرایانه، وقتی تئوری وجود ندارد، از حل مشکلات عاجز می‌ماند. برای اداره یک کشور هم چنین است، یعنی اگر برای اداره کشور، تئوری وجود نداشته باشد، نمی‌توان به سرانجام مطلوب رسید. همه آمارها و مستندات نشان می‌دهد که در اداره کشور، در این ۴۶ سال، دولت اصلاحات با فاصله‌ای مشخص، از مابقی دولت‌ها بهتر عمل کرده و با دقت برای یافتن دلیل این موفقیت، می‌توان دید که آن دولت بر یک تئوری بنا شده بود، «تئوری اصلاحات» و تیم تئوریک کاملا شناخته‌شده و معلومی به ارشدیت «سعید حجاریان» داشت و البته خود جناب محمد خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور، صاحب نظریه برای تشکیل دولت بود، اما غیر از آن، تیمی قدرتمند را هم برای ساخت آن تئوری و نقشه راه، با خود همراه کرده بود. اتفاقی که در هیچ‌یک از دولت‌های پس از اصلاحات شاهد آن نبودیم و نیستیم. چنان‌که دولت «توهم هزاره سوم» کلا ضد تئوری بود و بنیان خود را بر موعودگرایی که به خرافه‌گرایی منتهی شد، بنا نهاد، دولت «اعتدال»، رفتار اعتدالی که یک روش و ابزار است، جانشین تئوری کرد، دولت «حاکمیت یکدست» هم همچنین، نگاه ابزارگرایانه با همان یکدست‌سازی را جای تئوری نشاند و دولت چهاردهم هم به گمان اینکه «ابزار وفاق» برای اداره کشور کفایت می‌کند، کاملا دستش از تئوری خالی است. درحالی‌که دولت آقای خاتمی با تکیه بر تئوری اصلاحات، ابزار خود یا همان «توسعه سیاسی» را انتخاب کرد و توسعه سیاسی به‌عنوان موتور محرکه آن دولت با وجود «هر ۹ روز یک بحران‌سازی داخلی» و مصنوعی، نه‌تنها تا روز آخر با موفقیت توانست کار کند، بلکه بالاترین رشد اقتصادی مستمر، حل‌کردن ناترازی‌ها، پایین‌آوردن تورم، ایجاد پنج میلیون شغل جدید، اعتبار بین‌المللی و... در کارنامه خود ثبت کرد. درحالی‌که دولت سیزدهم و حالا چهاردهم، با وجود همه حمایت‌های داخلی که دولت اصلاحات فاقد آن بود، زمین‌گیر شدند، دولت «توهم هزاره سوم» که فقط با تکیه بر ثروت افسانه‌ای فروش نفت و پول‌پاشی به حیات خود ادامه داد و دولت اعتدال با وزش اولین باد مخالف، کلا چهار سال به پستو رفت. حالا هم اینکه می‌بینیم در «دولت وفاق»، وزرای کابینه یقه هم را می‌گیرند و علیه هم بیانیه می‌دهند و رئیس دولت از کنترل کابینه ناتوان نشان می‌دهد و حتی وفاق داخلی کابینه به مشکل خورده، چه برسد به وفاق با دیگر ارکان و مهم‌تر از آن وفاق با مردم، به دلیل همین فقدان تئوری و نشاندن ابزار وفاق به جای نظریه است که حتی به ضرب و زور برگزاری «همایش ملی وفاق» هم نمی‌توان این ابزار را تبدیل به تئوری کرد و اسفناک‌تر اینکه جناب پزشکیان احتمالا این را یک نقطه ضعف نمی‌داند که با وجود تلاش‌های هفت‌ماهه برخی از دلسوزان برای تشکیل یک تیم تئوریک برای دولت چهاردهم، نه به این تلاش اهمیتی داده و نه خود در پی تشکیل چنین تیمی است و حالا در برخورد با تعارضات و مشکلات، معلوم شده که حتی تیغ آن «ابزار وفاق» نیز بُرندگی لازم و تصورشده را ندارد.

سه کارل

ادامه از صفحه اول

تاریخ نظام مقتصد جایگاه‌هایی است که پاسخ‌ها یا دیگر حامل‌های کارکردهای حیاتی، آنها را اشغال می‌کنند و پس از رفتن‌شان، این جایگاه‌ها خالی می‌مانند و بار دیگر باید اشغال شوند». مسئله اصلی تاریخ کنونی ما، پرسش‌های به‌جامانده از دوران قبل است؛ پرسش‌هایی که گذشتگان پاسخ درخور به آنان نداده‌اند و همچنان به ما ارث رسیده است و اکنون باید به این پرسش‌ها با ابزارهای این‌جهانی پاسخ بدهیم. این پرسش‌ها (اندیشه‌ها) مواضعی را تصرف کرده‌اند و در مواجهه با این پرسش‌ها، این مواضع به تصرف پاسخ‌ها یا اندیشه‌های تازه درمی‌آیند که اگرچه نسبتی هم با گذشته دارند، مستقل از آن مواضع قدیمی خود هستند. اینک اگر همین مواجهه تاریخی را در نسبت با سیاست تعریف کنیم، خواهیم دید پرسش‌های به‌جامانده از گذشته نه‌تنها در طول تاریخ ما بی‌پاسخ می‌مانند، بلکه اراده‌ای وجود دارد تا آن پرسش‌ها و مواضع را منحل کند. هر عنصر تاریخی که پایش به اکنون باز شده، مستلزم پاسخ‌گویی است و این نیاز و تعهد به الزام است که موجب روشنگری در جریان‌های اجتماعی و تاریخی می‌شود. راهی که هانس بلومنبرگ می‌گشاید، چه‌بسا موجب پذیرش آگاهانه یا رهایی از سیطره سه کارل شود.

*** برای نوشتن این یادداشت از کتاب «تأخیر بنیادین روشنگری: شرحی بر مشروعیت عصر مدرن هانس بلومنبرگ»، ترجمه و تدوین و تألیف زانیار ابراهیمی استفاده شده است.**

اوکراین و افغانستان؛ ۲ جغرافیا و یک سرنوشت

ادامه از صفحه اول

اوکراین نیز پس از سال ۲۰۱۴، از طرف آمریکا و اتحادیه اروپا به‌عنوان ابزاری برای مهار روسیه استفاده شد، اما وقتی روسیه در ۲۰۲۲ به اوکراین حمله کرد، حمایت غرب هرچند درخورتوجه بود، اما نتوانست امنیت کامل را تضمین کند. وعده‌های مبهم درباره عضویت در ناتو نیز اوکراین را پس از سه سال و هزینه میلیاردها دلار و تخریب زیرساخت‌ها به سرنوشتی مشابه آنچه افغانستان در دوحه بدون نماینده‌ای از دولت کابل با آن مواجه شد، در ریاض و بدون حضور نماینده‌ای از دولت کی‌یف مبتلا کرد. شاید سیاست آمریکا در افغانستان بر مبنای مبارزه با تروریسم و سپس کنترل ژئوپلیتیکی منطقه بود که به دلیل ناکامی در درک پیچیدگی‌های فرهنگی و سیاسی محلی، به فاجعه و ننگ تاریخی منجر شد. در اوکراین، سیاست آمریکا بخشی از استراتژی کلان مهار روسیه و حفظ نظم لیبرال جهانی است که تاکنون توانسته اوکراین را در برابر تهاجم حفظ کند، اما خطر تشدید تنش با روسیه و بی‌ثباتی جهانی را افزایش داده است. افغانستان نشان‌دهنده محدودیت‌های قدرت نظامی مستقیم آمریکا بود، درحالی‌که اوکراین نمونه‌ای از موفقیت نسبی دیپلماسی و حمایت غیرمستقیم در سه سال اخیر است. افغانستان تحت حاکمیت طالبان به انزوای نسبی بازگشته، درحالی‌که اوکراین به‌عنوان خط مقدم تقابل غرب و روسیه تا هفته پیش در کانون توجه جهان غرب قرار داشت. نتیجه نهایی این سیاست‌ها به تحولات آینده بستگی دارد، اما تجربه افغانستان هشداری برای آمریکا در اوکراین است که حمایت‌های نظامی و مالی بدون راه‌حل سیاسی جامع و بلندمدت پایدار ممکن نیست به نتایج مطلوب و توسعه منجر شود.

***کارشناس سازمان ملل در بازسازی افغانستان**

عبور

ادامه از صفحه اول

آری بخش خصوصی با دستان پرتوان و دل امیدوار به آینده می‌تواند کشتی اقتصاد را از امواج بلاخیز ناترازی به ساحل امن توسعه و تراز برساند.

نسخ عبور

۱. باورداشتن: اعتماد و دیدن بخش خصوصی، آشتی با شایسته‌سالاری، ایجاد نهاد رگولاتوری، ادغام وزارت نفت و نیرو و تولد وزارت انرژی، استفاده از ظرفیت‌های ماده ۱۲ و انحلال نهادهای موازی به عنوان شرط لازم و همزمان دولت محترم زنجیر در بوروکراسی و دیوان‌سالاری را از پای کارآفرینان بازگشاید و آنگاه بستر عبور و تحول مهیا خواهد شد.

۲. بهبود فضای کسب‌وکار: زمین اقتصاد را با آب نوآوری و نور شفافیت باید بارور کرد تا درخت تجارت و تولید، میوه‌های ثروت، اشتغال و اعتبار به بار آورد.

۳. تقویت نظام مالی و بانکی: پالایش و ویرایش نظام بانکی که فرایند گذر را فراهم و با ارائه تمهیدات، تسهیلات و اعتبارات عادلانه مسیر حرکت عبور از ناترازی را میسر کند.

۴. حمایت از نوآوری و فناوری: شبکه‌های فرسوده را باید همچون نهری تازه، روان کرد تا انرژی بدون هدررفت به مقصد آینده برسد. ذخیره‌سازی انرژی، مدیریت هوشمند شبکه‌ها و استفاده از فناوری‌های پاک، کلیدهایی‌اند که قفل در ناترازی انرژی را خواهند گشود.

۵. ترویج شفافیت و سلامت و مبارزه با کدورت و فساد: فساد و کج‌فهمی همچون خسی در چشم اقتصاد است که با زدودن این خس، دیدگان برای عبور به افق‌های روشن باز خواهند شد. آری در این هنگامه پرآشوب فقط با بهره‌گیری از خرد جمعی دولت و بخش خصوصی، می‌توان این کشتی گرفتار در گرداب ناترازی را به ساحل تراز و تعالی رساند و درایت کلید این قفل است.

رئیس انجمن صنعت ساختمان و رئیس کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس به بررسی مقررات دست‌وپاگیر بخش مسکن پرداختند

صنعت ساختمان گرفتار قوانین ناکارآمد

شرق: صنعت ساختمان در ایران گرفتار چالش‌های متعددی است که در نهایت موجب کاهش رغبت سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در این بخش شده و کاهش قابل توجه صدور پروانه‌های ساختمانی را به دنبال داشته است. کاهش صدور پروانه‌های ساختمانی در نهایت منجر به کاهش عرضه نسبت به تقاضا شده است و اگر بخواهیم انباشت تقاضا را از سال‌های گذشته در نظر بگیریم، با کاهش صدور پروانه‌های ساختمانی و تداوم این روند، بخش مسکن دچار چالش‌های عمیق‌تر می‌شود. در همین زمینه یکی از الزامات مهم صنعت ساختمان اصلاح قوانین این بخش است. پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان، به اصلاح قانون پیش‌فروش ساختمان، تعریف حقوقی مفهوم توسعه‌گر در صنعت ساختمان و اصلاح بندهای مالیاتی در این بخش پرداخته و در یک برنامه تلویزیونی می‌گوید که برداشتن این چالش‌ها از پیش‌روی صنعت ساختمان می‌تواند ضمن تأمین حقوق مصرف‌کننده، عرضه ساختمان را افزایش دهد. محمد سرگزی، رئیس کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی هم خبر می‌دهد که مجلس به دنبال اصلاح این قوانین است و پیش‌نویس قانون جلب مشارکت توسعه‌گران بخش خصوصی در مجلس در دست بررسی است و پس از این مرحله به تصویب خواهد رسید.

عکس: علی حدادی اصل، آنا

حذف قوانین منسوخ در صنعت ساختمان

محمد سرگزی، رئیس کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی، در این میزگرد توضیح داد: «در حوزه صنعت ساختمان شماری قوانین نامعتبر و منسوخ وجود دارد و مجلس از دهه ۳۰ تا امروز شروع به تنقیح قوانین کرد و اخیرا نزدیک به ۲۵۰ قانون نامعتبر را در صحن علنی مجلس مورد بررسی قرار داد و آنها را منسوخ اعلام کرد. البته ماجرا به همین ۲۵۰ قانون محدود نمی‌شود، چراکه هرکدام از این قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های متعددی دارد که بوروکراسی پیچیده‌ای را در حوزه صنعت ساختمان ایجاد کرده بود. این اولین گام مجلس برای کمک به وضعیت صنعت ساختمان بود». او در ادامه گفت: «گام دوم مجلس کمک به عرضه مسکن بوده است که در قالب قانون حمایت از جهش تولید مسکن اتفاق افتاد. در این قانون دو رویکرد مثبت وجود دارد. رویکرد مثبت اول تسهیل واگذاری زمین و دیگری کاهش بوروکراسی است. برای تحقق این موضوع دولت، تمام دستگاه‌ها را ملزم کرد که زمین‌های قابل واگذاری خود را عرضه کنند و نکته دیگر بحث تأمین تسهیلات و منابع مالی است که در مجموع این مصوبه‌ها در نهایت می‌تواند منجر به کاهش قیمت تمام‌شده مسکن شود. هرچند این قانون خالی از ایراد و اشکال نبوده است و ایرادهایی به آن وارد کرده‌اند». سرگزی تأکید کرد: «به‌عنوان مثال در قانون جهش تولید مسکن مشخص نیست که مجری و فاعل اجرای این قانون کیست؟ یا در زمینه مالیات، مجلس بخش مسکن را به عنوان تولیدکننده ندیده و به عنوان بخش خدماتی دیده است اما ما باید بخش مسکن را در حوزه صنعت و تولید ببینیم. زیرا وقتی بخش مسکن را در حوزه تولید ببینیم مشمول مالیات کمتری می‌شود و در نتیجه سرمایه‌گذار برای سرمایه‌گذاری در این بخش، رغبت بیشتری نشان می‌دهد». رئیس کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی همچنین گفت: «اقدام دیگری که باید در مجلس انجام شود، تعریف حقوقی توسعه‌گر در این صنعت است، چراکه در حال حاضر در اسناد حقوقی الزامات حاکم بر توسعه‌گرها در قانون نیامده است. دومین قانون خوبی که در این زمینه وجود دارد، قانون الزام به تنظیم اسناد رسمی است، زیرا وقتی اسناد رسمی در معاملات استفاده می‌شود، ریسک سرمایه‌گذاری در یک صنعت را کم می‌کند و انگیزه سرمایه‌گذار را برای سرمایه‌گذاری در یک بخش افزایش می‌دهد».

لزوم اصلاح قانون پیش‌فروش ساختمان

در ادامه این نشست، پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان هم تأکید کرد: «آقای سرگزی به نکات خوبی اشاره کردند و در حالی که در قانون جهش تولید مسکن به ساخت‌وساز به عنوان تولید نگاه می‌کنند، در بخش مالیات ساخت‌وساز را خدمات می‌بینند. این در حالی است که خدمات مشاغلی است که مواد اولیه برای تولید ندارند و یک‌سری ابزار را برای ایجاد شغل در اختیار دارند. این در حالی است که این تعریف با صنعت ساختمان همخوانی ندارد. نکته دیگر این است که از قضا صنعت ساختمان یک صنعت مالیات‌گریز نبوده و به قوانین پرداخت مالیات پایبند بوده است. ما در صنعت ساختمان اعتقاد داریم برای اینکه مملکت آبادتری داشته باشیم باید مالیات‌دهندگان خوبی باشیم اما پرداخت مالیات باید به روش خردمندانه باشد و در همین زمینه آقای دکتر سرگزی گفتند مجلس دنبال اصلاح این قانون است». او در ادامه توضیح داد: «درباره موضوع توسعه‌گر هم باید اشاره کنم که انجمن صنعت ساختمان، پیش‌نویس قانون جلب مشارکت توسعه‌گران بخش خصوصی را تهیه کرده و به سران سه قوه ارسال کرده است و همچنین این قانون را به کمیسیون‌های مختلف مجلس از جمله کمیسیون عمران و کمیسیون حقوقی و قضائی ارائه کرده است». رئیس انجمن صنعت ساختمان افزود: در واقع باید بگویم که مفهوم توسعه‌گر در صنعت ساختمان کشور یک حلقه مفقوده بوده است. این در حالی است که توسعه‌گر براساس هزینه و فایده نگاه منطقی و علمی به پروژه‌های مختلف دارد و خلق ثروت می‌کند. ضمن اینکه توسعه‌گر به منابع مالی دولتی نیاز ندارد و از آنجا که چشمداشتی به منابع مالی دولت ندارد قدرت تحمل ریسک دارد». جوزی ادامه داد: «در صنعت ساختمان یکی از مواردی که از نظر من نیاز به اصلاح دارد، قانون پیش‌فروش ساختمان است که در واقع سازندگان کوچک‌مقیاس را جایگزین سازنده‌های کلان می‌کند و از همین‌جا مشکلات متعددی برای پیش‌فروش ساختمان ایجاد شده است. ما در پیش‌نویس قانون جلب مشارکت توسعه‌گران بخش خصوصی تضامینی در نظر گرفته‌ایم که تضامین بسیار محکمی برای پیش‌فروش ساختمان در نظر می‌گیرد. تضامینی مانند ایجاد حساب‌های امانی است که پول پیش خریداران مسکن به آن حساب‌ها واریز می‌شود و بر آن نظارت عالی دستگاه‌های ناظر مترتب است. تضمین دیگر صندوق، تضمین کیفیت و صحت اجراست و تمام این موارد می‌تواند به افزایش عرضه در بازار مسکن کمک کند و در عین حال حقوق مصرف‌کننده رعایت شود». در ادامه محمد سرگزی، رئیس کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی گفت «مفهوم توسعه‌گر در صنعت ساختمان اساسا یک مفهوم جدید است، این در حالی است که چنین موضوعی در کشورهای مختلف تعریف شده است و من تصور می‌کنم که این ایده بسیار خوبی است و باید الزامات حقوقی آن در مجلس بررسی شود و برای آن برنامه‌ریزی انجام شود. چون ما اساسا در صنعت ساختمان توسعه‌گر نداشتیم. نکته دیگر اینکه در بعضی بخش‌های صنعت ساختمان، همان‌طورکه آقای مهندس جوزی اشاره کردند، نیاز به اصلاح قوانین است. مثلا قانون پیش‌فروش ساختمان چندین سال است که اجرا شده اما می‌بینیم که مردم خیلی از این قانون استقبال نکرده‌اند. همین مسئله نشان می‌دهد که در این بخش خلأهای جدی وجود دارد و اصلاح برخی از مواد این قانون در دستور کار کمیسیون قرار گرفته است». او تأکید کرد: «درباره مفهوم توسعه‌گری هم تیم تخصصی ما دارد روی پیش‌نویس کار می‌کند و امیدوار هستیم تا دو، سه ماه این پیش‌نویس تنظیم شود و بتوانیم به‌عنوان یک طرح به مجلس محترم ارائه کنیم. بحث دیگر، اصلاح قانون نظام مهندسی است و اصلاحاتی باید در این زمینه انجام شود. همچنین در بحث قانون کار ما حمایت‌هایی را برای کارگران ساختمانی در نظر گرفته‌ایم که شامل بحث‌های بیمه کارگران ساختمانی و... می‌شود». در ادامه پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان، توضیح داد: «در بحث اصلاح قانون نظام مهندسی، ما خواهان جداسازی سازمان نظام مهندسی از کنترل ساختمان هستیم تا بتوانیم آن را با فرمول بین‌المللی نظامات حرفه‌ای در دنیا منطبق کنیم؛ چراکه نظارت بر صنعت ساختمان یک مسئله حاکمیتی است که ما این را به بخش خصوصی واگذار کرده‌ایم. در بخش اصلاح قانون مالیات هم که نکات مهم گفته شد و در بحث قانون پیش‌فروش ساختمان، حلقه مفقوده حمایت از مصرف‌کننده است که من فکر می‌کنم با اصلاحات پیش‌رو، حمایت مؤثری از مصرف‌کننده اتفاق بیفتد».

پاسخ توانیر به گزارش «شرق»

پیرو انتشار گزارشی با عنوان «تحریم‌ها و ناترازی انرژی» در مورخ ۱۰ بهمن ۱۴۰۳ آن روزنامه، پاسخ شرکت توانیر به شرح ذیل ارسال می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایید حسب ماده ۲۳ فصل ششم قانون مطبوعات و به منظور آگاهی خوانندگان و تنویر افکار عمومی، پاسخ ارسالی در همان بخش با تیتر ذیل انتشار یابد.

تلفات شبکه برق ایران هم‌تراز با کشورهای پیشرفته

وقتی صحبت از تلفات شبکه برق به میان می‌آید، مطالب باید دقیق و ساختاریافته باشد. اینکه عددی معادل حجم سوخت را به طور کلی برای تلفات بیان کنیم، کارشناسانه نیست. درواقع اگر به دنبال سازندگی هستیم، ضمن صداقت در کلام و آمار، نباید با تولید محتوای ناصواب نگاه عمومی جامعه را منحرف کرده و باعث تشویش اذهان عمومی و پایمال‌کردن خدمات صادقانه و شبانه‌روزی فعالان این حوزه شویم. تلفات برق در همه کشورها به دو دسته تلفات فنی و غیرفنی تقسیم می‌شود؛ ازاین‌رو بیان عدد مطلق برای معادل انرژی برق هدررفته در کشور که حاصل‌جمع هر دو این تلفات بوده و فقط تلفات فنی نیست، نیاز به مراقبت بیشتری دارد. بخشی از تلفات برق کشور مربوط به بخش غیرفنی است، نظیر: استفاده غیرمجاز از شبکه عمومی برق کشور، دست‌کاری دستگاه‌های شمارشگر (کنتورها) و نداشتن دقت مناسب دستگاه‌های اندازه‌گیری که متأسفانه ظهور پدیده استخراج رمزارز آن‌هم به صورت غیرمجاز، به این موضوع دامن زده و موجب افزایش سهم تلفات غیرفنی برق شده است که تعدی مستقیم به حقوق عامه مردم (حق‌الناس) است، البته وزارت نیرو برای هریک از این موارد غیرفنی برنامه عملیاتی دارد. تلفات فنی شبکه‌های توزیع برق کشور در شرایط طبیعی قرار داشته و در چنین شرایطی با اقدامات بسیار هزینه‌بر مانند تعویض ترانسفورماتورها با انواع بسیار کم‌تلفات، می‌توان تلفات فنی را کاهش داد، اما از آنجایی‌که تلفات ترانسفورماتورها بخش کوچکی از تلفات کل را شامل می‌شود، اثر این اقدام چندان درخورتوجه نیست و در مقایسه با هزینه‌های سرسام‌آور آن ممکن است توجیه اقتصادی پیدا نکند. توضیح اینکه ترانسفورماتورهای جدید استفاده‌شده در بخش توزیع برق کشور، از نیمه دوم سال ۱۳۹۳ تاکنون از نوع کم‌تلفات بوده و در شرایط مطلوب هستند. درباره دیگر روش‌ها مانند افزایش سطح مقطع شبکه نیز تقریبا وضع به همین منوال است. درحال‌حاضر تلفات در بخش انتقال کشور حدود ۲.۵ درصد و تلفات بخش توزیع به حدود ۹.۲ درصد رسیده است. لازم به ذکر است، با تلاش‌های همه‌جانبه و شبانه‌روزی در صنعت برق، این اعداد در حدود ۱۰ سال قبل در انتقال شش درصد و در توزیع در بعضی مناطق بیش از ۲۰ درصد (متوسط ۱۶ درصد) بود و با هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی انجام‌شده، مقرر شده تا پایان برنامه هفتم، تلفات شبکه برق کشور به کمتر از ۱۰ درصد یعنی (۸.۵ درصد) کاهش یابد (هرچند در استاندارد وزارت نیرو در شرایط ایدئال کشور از نظر اقتصادی-سیاسی، شش درصد در تابستان و ۴.۵ درصد در زمستان اعلام شده است). در ۱۰ سال اخیر میزان تلفات فنی انتقال، فوق توزیع و توزیع شبکه برق کشور پنج درصد کاهش یافته که این تلفات به پراکندگی مراکز مصرف و سطوح ولتاژ، موقعیت نیروگاه‌ها در شبکه سراسری برق و کیفیت تجهیزات شبکه وابسته است. میزان تلفات در کشورهای پیشرفته دنیا معمولا بین پنج تا ۱۰ درصد است. در همین حال، در راستای کاهش تلفات، برنامه‌هایی ازجمله محدودکردن دسترسی به شبکه و طرح‌های اصلاح ساختار شبکه از مدت‌ها پیش در دستور کار قرار گرفته که طرح تبدیل شبکه‌های مسی به کابل خودنگهدار به طور جدی در سراسر کشور در دست پیگیری است. اجرای این طرح از سال‌های قبل آغاز شده و از ابتدای امسال تاکنون نیز بیش از شش‌هزارو ۵۰۰ کیلومتر از شبکه‌های توزیع برق به کابل خودنگهدار تبدیل شده و این روند تا پایان شبکه‌های مسی فاقد روکش ادامه خواهد داشت. از آنجایی که در قالب این طرح، نقاط ضعف احتمالی شبکه و موارد فرسودگی نیز برطرف می‌شود، کاهش تلفات فنی (هرچند محدود) را نیز به دنبال خواهد داشت. در قالب طرح‌های اصلاح ساختار شبکه نیز بخشی از تأسیسات و تابلوهای برق و کنتورهای مشترکان (عمدتا پراکنده و غیرآپارتمانی) از دسترس خارج و به بالای پایه‌های شبکه منتقل می‌شوند. به‌این‌ترتیب ضمن ایجاد ایمنی بیشتر و ایجادنشدن مزاحمت برای قرائت کنتور، امکان دسترسی به کنتور و ایجاد اختلال در عملکرد آن به حداقل می‌رسد. تست و بازرسی مستمر کنتورها و لوازم اندازه‌گیری و تعویض کنتورهای معیوب نیز اقدامی مؤثر در این زمینه است که به‌عنوان یک فعالیت جدی پیگیری می‌شود. تلفات شبکه برق ایران در سال‌های اخیر از تلفات شبکه برق مکزیک، ترکیه و برزیل کمتر بوده است؛ این تلفات ناشی از مقاومت ذاتی سیم‌ها و تجهیزات شبکه در مقابل عبور جریان الکتریکی بوده و میزان آن تابعی از وسعت شبکه، فاصله مراکز مصرف برق از نیروگاه‌ها و نوع و میزان برق مصرفی مشترکان است؛ بنابراین رقم تلفات در کشورهای مختلف ناشی از موارد یادشده، متفاوت است. اما یکی از عوامل مؤثر بر افزایش میزان تلفات، استفاده غیرمجاز از برق است که مقابله با این عامل نیازمند عزم همه سیاست‌گذاران و نیز مقام‌های محلی و گروه‌های اجتماعی مؤثر است. دراین‌بین، شبکه برق اسپانیا از نظر وسعت، پراکندگی و نوع بار به شبکه برق ایران نزدیک‌تر و قابل مقایسه‌تر است و طبق آمار میزان تلفات برق در ایران جمعا کمی بیش از ۱۱ درصد و در اسپانیا ۹.۶ درصد تعیین شده است. کمترین تلفات برق مربوط به چین با عدد ۵.۵ درصد و بیشترین تلفات شبکه انتقال توزیع و فوق توزیع مربوط به عراق با عدد ۵۰.۶ درصد است. بعد از عراق، هند با عدد ۱۹.۴ درصد، پاکستان ۱۷.۴ درصد، برزیل ۱۵.۸ درصد، ترکیه ۱۴.۸ درصد، مکزیک ۱۳.۶ درصد، خاورمیانه و شمال آفریقا ۱۳.۶ درصد، بعد از ایران بیشترین میزان تلفات برق را دارند و از کشورهایی که میزان تلفات آنها کمتر از ایران است، می‌توان به پرتغال با ۱۰ درصد، اسپانیا ۹.۶ درصد، کانادا ۸.۹ درصد، آفریقای جنوبی ۸.۴ درصد و انگلستان ۸.۳ درصد اشاره کرد. این در حالی است که میانگین جهان در میزان تلفات شبکه برق ۸.۳ درصد شناخته شده و کشورهای ایتالیا با هفت درصد، فرانسه ۶.۴ درصد، آمریکا ۵.۹ درصد و چین ۵.۵ درصد کمترین میزان تلفات را در کل دنیا دارند.

گزارش

دستمزد باید هزینه‌های زندگی را پوشش دهد

ایسنا: رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی بر ضرورت توجه به سبد معیشت کارگران در تعیین مزد ۱۴۰۴ تأکید کرد و گفت: اگر کارفرمایان از طرف دولت حمایت شوند به جای تعدیل نیروی کار به گرفتن نیروی کار بیشتر تشویق می‌شوند و از افزایش دستمزد کارگر استقبال می‌کنند.

فتح‌الله بیات در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به روند تعیین دستمزد کارگران اظهار کرد: هر سال در تعیین دستمزد نسبت به تورم سال بعد عقب هستیم زیرا در شورای عالی کار برای دستمزد سال بعد تصمیم گرفته می‌شود در صورتی که تورم سال آینده به هیچ‌وجه قابل پیش‌بینی نیست.

وی افزود: قانون‌گذار در بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار سبد معیشت را در نظر گرفته تا هزینه‌های معیشت خانوار را تأمین کند، زیرا احتمال اینکه در برخی از ماه‌های سال میزان تورم کاهشی یا افزایشی باشد وجود دارد.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی با بیان اینکه دو آیتم نرخ تورم و سبد معیشت به هم وابسته هستند، گفت: اگر در برخی سال‌ها تورم کاهشی بود، سبد معیشت هم در کنار آیتم اول قرار گیرد تا هزینه‌های معیشت کارگر را جبران کند.

وی خاطرنشان کرد: اگرچه هر سال در جریان تعیین مزد دنبال این هستیم که تورم سبد معیشت کارگران را محاسبه و مبنای تعیین مزد قرار بدهیم، ولی نباید تنها روی تورم متمرکز شویم و بند دو را نادیده بگیریم، ازاین‌رو معتقدم بدون درنظرگرفتن سبد معیشت نمی‌توانیم حقوق و دستمزد واقعی برای کارگران تعیین کنیم.

بیات همچنین بر ضرورت حمایت از واحدهای تولیدی و بنگاه‌های کوچک تأکید کرد و گفت: بیشتر بنگاه‌های کوچک به‌دلیل نبود نقدینگی یا ناتوانی در تأمین مواد اولیه ممکن است در پرداخت حقوق دچار مشکل شوند که لازم است دولت از تولیدکنندگان و واحدهای تولیدی کوچک با اعمال تخفیف‌های بیمه‌ای یا مشوق‌های مالیاتی حمایت کند.

به گفته او چنانچه کارفرمایان از طرف دولت حمایت شوند، تشویق می‌شوند که نیروی کار بیشتری به خدمت بگیرند و در عین حال کارگر خود را تأمین می‌کنند. در این شرایط از افزایش دستمزد کارگر استقبال می‌کنند و به فکر تعدیل نیروی کار نمی‌افتند.

شناسه آگهی ۱۸۸۶۲۵۵
نوبت اول

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله ای
شماره ۳۵-۹۹-۱۱۴۰

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز پارس

شماره فراخوان در سامانه ستاد ۲۰۰۳۰۰۱۰۳۴۰۰۰۱۴۱

شرکت نفت و گاز پارس (کارفرما) در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با شرایط زیر به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید:
شرح پروژه : تعمیرات اساسی level C، بازسازی و نوسازی سه دستگاه هسته توربین گازی سکوی فاز یک – شرکت نفت و گاز پارس واقع در استان بوشهر.
شرایط مناقصه‌گر:
۱ - داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه (حداقل یک تجربه در زمینه تعمیرات اساسی سطح C حداقل یک دستگاه هسته توربین گازی SGT۱۰۰)
۲ - دارا بودن گواهی نامه معتبر صلاحیت پیمانکاران در رشته نفت و گاز با حداقل رتبه چهار / نیرو باحداقل پایه سه از سازمان برنامه و بودجه
۳ - تکمیل و مهر و امضا نمودن اظهار نامه ظرفیت آماده به کار در سربرگ شرکت
۴ - تکمیل و مهر و امضا نمودن تعهد نامه رعایت الزامات HSE در سربرگ شرکت
۵ - توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۱،۱۸۲،۳۸۸،۷۲۰ ریال و ۹۶،۰۶۹ یورو به صورت وجه نقد و یا ضمانت‌نامه معتبر بانکی از بانک‌های معتبر و مورد تائید کارفرما (بجز بانک پاسارگاد) با اعتبار ۹۰ روزه و قابل تمدید با نظر کارفرما، مطابق با آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۹۴
۶ - ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا حسابداران رسمی ذی‌صلاح مربوط به سال ۱۴۰۲ به همراه تاییدیه ثبت صورتهای مالی حسابرسی شده در سامانه پردیس جهت تایید اصالت گزارش
۷ - ارائه اساسنامه شرکت برای شرکت های ایرانی و یا مجوز فعالیت برای شرکت های خارجی در زمینه موضوع مناقصه
برآورد کارفرما : مبلغ ناخالص ۴۸،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال و ۳،۹۰۰،۰۰۰ یورو برای مدت ۱۸ ماه می‌باشد.
نحوه دریافت اسناد استعلام : از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد حداکثر سه روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم جهت دریافت اسناد و مدارک ارزیابی کیفی به نشانی اینترنتی setadiran.ir سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه و اسناد استعلام ارزیابی کیفی را دریافت نمایید. لازم به توضیح است که پس از انجام فرآیند ارزیابی کیفی، اسناد مناقصه میان متقاضیان واجد شرایط توزیع خواهد شد. بدیهی است ارائه مدارک هیچ گونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.
تاریخ تحویل پیشنهاد استعلام ارزیابی کیفی : چهارده روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی.
تاریخ تحویل مدارک مناقصه : تاریخ دریافت مدارک مناقصه و محل آن متعاقبا به اطلاع واجدین شرایط خواهد رسید.
آخرین مهلت تحویل پیشنهاد و تاریخ گشایش پیشنهاد: طبق تاریخ های مندرج در اسناد مناقصه
لازم به ذکر است پیشنهادات ارائه شده توسط مناقصه‌گران بایست تا ۳ ماه معتبر باشد.
در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن ۵ و ۸۳۷۶۲۶۰۴-تماس حاصل نمائید.
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس : ۴۱۹۳۴-۰۲۱

شرکت نفت و گاز پارس
روابط عمومی